

صورت‌بندی الگوی مفهومی دعوت افراد اسلام‌گریز به دین

n.karamollahi@gmail.com


majid.mobini@gmail.com

نعمت‌اله کرم‌اللهی / دانشیار علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم ☞

مجید مبینی / دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم ☞

علیرضا نیک‌بین / کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه باقرالعلوم ☞

a.nikbean@mail.ir  orcid.org/0000-0002-8405-1424

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> ۱۴۰۱/۰۴/۱۱ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰ دریافت:

چکیده

یکی از راه‌های مقابله با انقلاب اسلامی در عرصه جنگ نرم، گسترش فرقه‌گرایی با هدف درگیر کردن اشخاص، یارکشی و اشغال ظرفیت‌های فکری و پاسخ‌گویی کشور است. چگونگی بازگرداندن اسلام‌گریزان به دین پیشین، پرسشی است که در این پژوهش با استخراج، تکمیل و صورت‌بندی تجربه‌های موفق پاسخ داده شده است. روش پژوهش در این مقاله «کیفی» است. داده‌ها با روش «اسنادی» و «میدانی» (مصاحبه نیمه‌ساختاریافته) و حضور در جلسات مشاوره نوکیشان گردآوری و با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون تحلیل شده است. یافته‌های تحقیق به صورت‌بندی یک الگوی مفهومی منجر شد. در این الگو، ابتدا با بهره‌گیری از رویکرد الهیاتی و با استفاده از روش‌های روان‌شناختی، حجیت از کیش ثانویه ستانده شده، موانع بازگشت فرد به کیش اولیه از بین می‌رود، سپس با بهره‌گیری از خدمات اجتماعی متناسب با مشکلات زمینه‌ای هر شخص، روند بازگشت او تسریع می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نوگروری، ارتداد، تغییر دین، نوکیشی، تبلیغ.

تبلیغ در میان پیروان ادیان دیگر از گذشته تا به امروز، امری رایج است و گاهی نیز به تغییر کیش می‌انجامد. اگرچه این نوع تغییر از نگاه دین مبدأ ممنوع است، اما از منظر جامعه‌شناختی واقعیتی اجتماعی و غیرقابل انکار است. کشور ایران هم از این قاعده مستثنا نبوده و همان‌گونه که مبلغان مسلمان ایرانی طی قرون گذشته در بین پیروان ادیان دیگر مشغول تبلیغ و جذب بوده‌اند، مبلغان دیگر ادیان نیز در ایران به همین کار می‌پرداخته‌اند. اما آنچه بر حساسیت این موضوع افزوده و تقابل با آن را ضروری ساخته تبدیل هدف تغییر کیش از مسائل الهیاتی و معرفتی به مسائل سیاسی و مقابله با حکومت‌هاست؛ امری که در دهه‌های اخیر در کشورمان شاهد آن هستیم.

در دوران مواجهه دو ابرقدرت شرق و غرب یا به عبارت دیگر تقابل سوسیالیسم و لیبرالیسم، انقلابی در ایران به وقوع پیوست که ضمن اتخاذ مواضع انتقادی در برابر هر دوی آنها، مدعی تفکر جدیدی بر پایه دین اسلام شد. در ابتدای راه، چپ‌گرایان به پشتوانه نیروهای داخلی و حمایت خارجی، به مقابله سخت با انقلاب اسلامی برخاستند و با وجود تحمیل خسارات مادی و معنوی فراوان، نتوانستند آن را از بین ببرند و در نهایت، با فروپاشی بلوک شرق این تقابل پایان یافت.

اما رقیب دیگر انقلاب اسلامی ایران با اتخاذ روش مواجهه نرم، برنامه‌های گوناگونی در عرصه‌های اقتصاد، سیاست، امنیت و فرهنگ تدارک دید. یکی از راهکارهای مقابله با انقلاب و جمهوری اسلامی به‌مثابه یک نظام دینی، طرح‌ریزی برای وارد کردن آن در یک جنگ عقیدتی از طریق طرح‌هایی مانند صوفی‌سازی، وهابی‌سازی، باستان‌گرایی، تبشیر صهیونیستی، بی‌دینی و عرفان‌های کاذب بوده است. بدین‌روی رهبر معظم انقلاب در مهر سال ۱۳۸۹ طی دیدار با مردم قم فرمودند:

برای اینکه ایمان مردم را به اسلام و مقدسات اسلامی کم کنند، در داخل کشور از طرق مختلف پایه‌های ایمان مردم، بخصوص نسل جوان را متزلزل کنند، از اشاعه بی‌بندوباری و اباحیگری تا ترویج عرفان‌های کاذب - جنس بدلی عرفان حقیقی - تا ترویج بهائیت تا ترویج شبکه کلیساهای خانگی؛ اینها کارهایی است که امروز با مطالعه و تدبیر و پیش‌بینی دشمنان اسلام دارد انجام می‌گیرد. هدفش هم این است که دین را در جامعه ضعیف کند.

پایگاه‌ها و حامیان این فرقه‌ها را در کشورهای لیبرال به‌وضوح می‌توان مشاهده کرد. این کشورها علاوه بر حمایت‌های دیپلماتیک، با پشتیبانی مالی و رسانه‌ای از فرقه‌سازی در ایران، درصدد بر هم زدن یکپارچگی دینی جامعه انقلابی ایران هستند.

در سال‌های اخیر با فراگیری فزاینده فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، فعالیت فرقه‌ها نیز شدت گرفته و با وجود سازمان‌ها و نهادهای متولی حراست از مرزهای عقیدتی جامعه، مواجهه با آنها چندان مؤثر واقع نشده است. در برخورد با این پدیده، اقدامات امنیتی و حتی قضایی نیز نه‌تنها کارساز نبوده، بلکه چه‌بسا بسترساز مظلوم‌نمایی و

جذب راحت‌تر برای مبلغان شده است. مراکز علمی - پژوهشی نیز در این خصوص اقدام درخوری انجام نداده‌اند؛ به این معنا که تاکنون نه رشته دانشگاهی برای آموزش و پژوهش در باب این پدیده اجتماعی تأسیس شده و نه حتی درسی با عنوان «مبارزه با نوکیشی یا ارتداد» در سرفصل‌های برنامه درسی رشته‌های موجود گنجانده شده است. در قانون مدنی و حتی قانون اساسی نیز اهتمام لازم به پدیده «نوکیشی» نشده است. البته در سال‌های اخیر حوزه علمی در سطوح عالی تخصصی، اقدام به تربیت طلبه متخصص برای نقد ادیان و فرق انحرافی کرده است؛ اما این اقدامات حکم پیشگیری دارد و همچنان برای بازگرداندن افراد خارج شده از اسلام، برنامه‌ای وجود ندارد. از این رو موضوع حاضر به‌منزله یک مسئله مهم برای جامعه اسلامی ایران انقلابی مطرح است.

عده‌ای از مبلغان مسلمان با بهره‌گیری از روش‌های علمی و تجربی مقابله با ادیان و فرق، توانسته‌اند بعضی از افراد اغوا شده را به دین اسلام بازگردانند. این تحقیق سعی دارد روش آنها را استخراج، تکمیل، صورت‌بندی مفهومی و معرفی نماید. بنابراین سؤال اصلی پژوهش حاضر این است: چگونه می‌توان یک خارج شده از اسلام را به اسلام بازگرداند؟

۱. پیشینه تحقیق

در منابع فارسی برای چگونگی تبلیغ در بین خارج‌شدگان از اسلام، الگوی مکتوبی وجود ندارد؛ اما چون در این رخداد، پدیده تغییر دین پررنگ است و برای جامعه هدف این کار دو بار صورت گرفته (یک بار از اسلام به دین جدید و یک بار از آن دین جدید به اسلام) به چند نمونه از آثار این حوزه اشاره می‌شود:

رهنما (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان *بررسی نظریات نو دینی با تأکید بر نظریه لوئیس رمبو*، به آراء مطرح در حوزه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی پرداخته و سرانجام براساس نظریه رمبو، نوگروی را بررسی کرده است. روش او «اسنادی» بوده و به سؤالاتی هم پاسخ داده است؛ مانند: «نوگروی چیست؟ چگونه مطالعه می‌شود؟ چه انواعی دارد؟» البته صرف مطالعات کتابخانه‌ای، آن هم از منابع غیربومی، مسئله حاضر را حل نمی‌کند.

انصاری (۱۳۸۹) در رساله‌ای با عنوان *عوامل مؤثر بر تغییر دین، از اسلام به مسیحیت*، هدف خود را فتح بایی در حوزه مطالعاتی تغییرات نوگروی در ایران عنوان کرده است. وی با ابتدا بر الگوی رمبو، به روش «کیفی» و با استفاده از فنون «مصاحبه عمیق» و «مشاهده» به این قبیل پرسش‌ها پاسخ داده که «چرا تغییر دین به مسیحیت در بین مسلمانان اتفاق افتاده است؟ فرایند تغییر دین چگونه رخ داده است؟» یافته‌های او نشان می‌دهد بحران^۵ موتور محرک فرایند تغییر دین است. میدانی بودن و تمرکز بر مسئله، از نکات مثبت این تحقیق به‌شمار می‌آید.

کارل اندرسون آنوی (۱۳۸۸) در کتاب *فرزندان راهی دیگر* کوشیده است تا براساس تجربه دختر خودش، راه دیگر پیش آمده را برای سایر خانواده‌های مسیحی آمریکایی تبیین کند. او در این فرایند به‌عنوان یک کارشناس ارشد علوم تربیتی و روان‌شناسی بالینی، پرسشنامه‌هایی تنظیم و بین دختران و زنان تازه‌مسلمان جامعه ایالات

متحدّه توزیع کرده، سپس با دسته‌بندی نتایج، سیر تغییر دین را نشان داده است. این نویسنده خاطرات خود و دخترش را به‌عنوان مقدمه هر فصل به مخاطب عرضه کرده است. کتاب مزبور ضمن بیان علل گرایش به اسلام در یک جامعه هدف متمرکز، یافته‌های علمی خود را با زبان داستان به مخاطب رسانده است که از نقاط قوت این کتاب محسوب می‌شود.

همان‌گونه که گفته شد، منابع فارسی به علل تغییر کیش پرداخته‌اند، اما الگویی برای بازگرداندن نوکیشان ارائه نکرده‌اند. در جمع‌بندی می‌توان گفت: با توجه به تشتت آراء در علل تغییر دین، آنچه مشترک همه نظرات است معضلات روانی و اجتماعی است که این پدیده را رقم می‌زند. بنابراین برای برطرف کردن مسئله نوگروی باید به آنها توجه شود.

۲. چارچوب مفهومی

۲-۱. مفهوم‌شناسی

۲-۱-۱. کیش

واژه «کیش» در موضوعات گوناگون، تعاریف متفاوتی دارد. به عبارت دیگر مشترک لفظی است که تعدد معانی را برای یک لفظ واحد بیان می‌کند. در موضوع بحث، «کیش» به معنای دین و مذهب به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۹، ذیل «کیش»). در میان صاحب‌نظران، بین «فرقه»، «نحله»، «مسلك»، «مذهب» و «دین» اختلافاتی وجود دارد که خارج از بحث این نوشتار است، بنابراین همه آنها به یک مفهوم، یعنی خارج از مرزهای اعتقادی شیعه در نظر گرفته می‌شود.

۲-۱-۲. نوکیش

شخص عاقل، بالغ و مختاری است که اقدام به تغییر کیش خود نموده است.

۲-۱-۳. نوگروی

خروج از دین اولیه و ورود به دین بعدی پدیده‌ای است که از آن به «نوگروی» یاد می‌شود.

۲-۱-۳-۱. رویکردهای تبیین نوگروی

اندیشمندان درباره نوگروی نگاه‌های متفاوتی دارند. برخی آن را شکلی از آسیب می‌دانند و عده‌ای دیگر نمونه‌ای از قدرت اجباری. نوگروی توسط دانشمندان حوزه‌های گوناگون دینی (الهیاتی)، روان‌شناسی، تاریخی و جامعه‌شناسی موضوع بحث قرار گرفته است (جونز و دیگران، ۲۰۰۵، ص ۱۹۷۰). برای درک بهتر نوگروی، در ادامه، این مفهوم با سه رویکرد الهیاتی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بررسی می‌گردد:

رهنما با استناد به کتاب *انسان‌شناسی و نوگروری* به این سخن رمبو اشاره دارد که الهیات هر دینی DNA نوگروری‌ها را مشخص می‌کند؛ یعنی هویت و تنوع در نوگروری تا حد زیادی به دین مبدأ و مقصد بستگی دارد. تأثیر الهیات هر دینی بر تجربه نوگروری موجب شده است نتوان نظریات نوگروری را به شکل کلی تعمیم داد. سرشت نوگروری تا حد زیادی در شبکه دینی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر این ایده‌ها، الگوها، روش‌ها و استعاره‌های یک سنت دینی هستند که تجربه نوگروری را شکل می‌دهند (رهنما، ۱۳۹۱، ص ۸۵). اعتقادات، خلیقات و شریعات که در مجموع در الهیات بحث می‌شوند، سه رکن اصلی ایجاد این شبکه دینی هستند.

یکی از عوامل مهم در عرصه تغییر دین، وجود مبلغ برای معرفی کیش جدید و جذب افراد به سمت آن است. این الهیات است که اشخاص را تشویق به تبلیغ می‌کند و یا به عکس، ارزشی برای آن قائل نمی‌شود. برای مثال، موسی مندلسون از فیلسوفان یهودی قرن ۱۸ معتقد بود: یهودیت دین تبلیغی و تبشیری نیست؛ زیرا فعالیت تبشیری با این دین بیگانه است (گندمی، ۱۳۸۳). البته اگر شخصی بر اثر تلاش و پیگیری خودش به پذیرش کیش یهود، مشتاق و مُصر باشد مورد التفات واقع می‌شود؛ همچنان که *راو* و *ابن‌میمون* معتقدند: از نوگروندگان به آیین یهود باید استقبال کرد، حتی اگر اقدامشان به منظور دست یافتن به اهداف دنیوی باشد (کوهستانی نجفی، ۱۳۹۴، ص ۲۰). اما این استقبال به معنای دعوت و تبلیغ نیست، بلکه منظور عدم ممانعت از ورود غیر به یهودیت است و این یکی از علل سرعت پایین گسترش این دین نسبت به ادیان دیگر، همچون اسلام و مسیحیت محسوب می‌شود.

برخلاف یهودیت، الهیات مسیحی نقش بسزایی در نوگروری ایفا کرده است. عبارات انجیل نه تنها به تبلیغ تشویق می‌کند، بلکه گاهی نیز دستور می‌دهد: «رفته و دیگران را شاگرد سازید» (انجیل، باب ۸ متی). از سوی دیگر با حذف شریعت، موانع تبلیغ، مثل ممنوعیت هم‌سفرگی با غیریهود برداشته می‌شود. همچنین موانع ورود غیر به مسیحیت نیز از بین می‌رود؛ زیرا همزمان با حذف شریعت، امور سختی، مثل «ختان» ملغا می‌شود.

نوگروری به مثابه نوعی از تغییر، با مفاهیم روان‌شناختی بیشتر سازگار است؛ رشته‌ای که تغییر را از جنبه عینی و ذهنی مدنظر قرار می‌دهد. در بیشتر مطالعات روان‌شناختی درباره نوگروری، از عواملی همچون تشویب و اضطراب، ناآرامی، تعارض، گناه و مشکلاتی از این دست یاد می‌شود. همچنین در این رویکرد، دو الگوواره با عنوان «کلاسیک» و «معاصر» درباره نوگروری مطرح است (اسپیلکا و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۴۸۱-۴۸۲).

اسپیلکا از زبان *ریچاردسون*، دو الگوواره را این‌گونه بیان می‌کند:

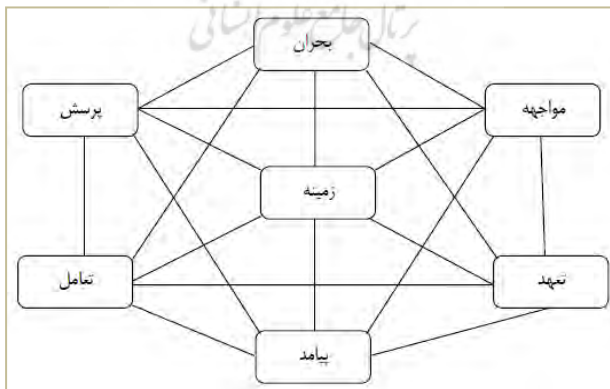
جدول ۱: الگوواره‌های رویکرد روان‌شناختی نوگروی

الگوواره معاصر	الگوواره کلاسیک
عقلانی است.	عاطفی است.
نوگرونده، فعال و جست‌وجوگر است.	نوگرونده، منفعل و تحت امر نیروهای بیرونی است.
تغییر عقیده تابع تغییر رفتار است.	تغییر رفتار تابع تغییر عقیده است.
مستمر نیست و ممکن است چندبار روی دهد.	یکباره روی می‌دهد و دائمی است.
در دل سنت‌های انسان‌گرایانه (اومانستی) است.	مستلزم دگرگونی عجیب «خود» است.
نوعاً در اوایل بزرگسالی رخ می‌دهد.	نوعاً در نوجوانی رخ می‌دهد.

در رویکرد روان‌شناختی، نظریات گوناگونی درباره نوگروی وجود دارد. یکی از آنها نظریه «بحران» است (همان، ص ۵۰۱). بحران سرآغاز تغییرات یا درون‌روانی است و از فشارهای روانی شخصی نشئت می‌گیرد؛ یا میانه‌روانی است و به‌گونه‌ای از فشار اجتماعی حاصل می‌شود، که هر دو از علل تغییر دین هستند.

۳-۱-۳-۴. رویکرد جامعه‌شناختی

لوئیس رمبو مطالعات نوگروی خود را با تمرکز بر رویکرد روان‌شناسانه که رشته اصلی خود او بود، آغاز کرد. پس از مطالعه گسترده، او به ناکافی بودن رویکرد روان‌شناسانه در فهم نوگروی پی برد. به همین سبب به مطالعه آثار جامعه‌شناسانه، انسان‌شناسانه و دیگر رویکردهایی که به نوگروی پرداخته‌اند، روی آورد (رهنما، ۱۳۹۱، ص ۷۶) و در نهایت الگوی هفت مرحله‌ای را عرضه کرد. الگوی رمبو، برخلاف سایرین به‌صورت پدیده‌ای تعاملی، واکنشی و دیالکتیکی و به‌مثابه الگویی جامع و همه‌جانبه - که شامل عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر در نودینی است - مدنظر قرار گرفته است. هریک از مراحل قبلی تحت تأثیر مراحل بعدی است. نمودار ذیل به‌خوبی الگوی فرایندی رمبو را مشخص می‌کند. همه مؤلفه‌های هفت‌گانه می‌توانند در مرکز و پیرامون نمودار مطرح باشند.



شکل ۲: نمودار مرحله‌ای رمبو (رمبو، ۱۹۹۳، ص ۱۸)

از این منظر، «نودینی» فرایندی کلی است که مراحل اصلی آن چنین است:

۱. **زمینه:** نیرویی پویا در قلمرو مؤلفه‌های چندگانه که شکل تاریخی، دینی، اجتماعی، فرهنگی و شخصی به خود می‌گیرد.
۲. **بحران:** شکاف و گسستی درون قدرت نودین که از طریق عوامل شخصی یا اجتماعی پرسش‌های جدی ایجاد می‌کند.
۳. **پرسش:** برآمده از فشارهایی است که نودینان را به‌طور فعال درگیر می‌کند.
۴. **مواجهه:** ناشی از تعامل و ارتباط میان شخص نودین، موضوع دینی و نیروی معنوی جدید است.
۵. **تعامل:** زمانی روی می‌دهد که فرد نودین به نحو پیچیده‌تری خود را درگیر می‌کند و با توجه به موضوع جدید، فرایند تغییر را پیش می‌برد. در فرایند تعامل، باورهای جدید سازگار می‌شوند و نودین به «مناسک» یا باورهای جدید مبادرت می‌ورزد و روابط تازه‌ای از گذر بینش‌ها و آموزه‌های الهیاتی جدید به‌دست می‌آورد.
۶. **تعهد:** تصمیمات جدید تعهدات تازه‌ای برای نودین می‌آورد و در زمینه موقعیت و هویت نو، عضو معتبری از جامعه دینی تلقی می‌شود.
۷. **پیامدها:** در آن فرایند، تجربه‌ها، هویت‌ها و تعهدات به نقطه اوج رسیده، استحکام می‌یابند و نودین خود را در عمل به آن مسئول و متعهد می‌داند (پژوهشکده باقرالعلوم، بی‌تا، ص ۲۵-۲۷).

جدول ۲: هفت مرحله نظریه رمبو

ردیف	عنوان	توضیح
۱	زمینه	زمینه فردی و اجتماعی
۲	بحران	گسستی در درون فرد که به ایجاد سؤال می‌انجامد.
۳	سؤال	
۴	مواجهه	مواجهه فرد با دین جدید
۵	تعامل	تعامل با ابعاد گوناگون دین جدید (عقاید، اخلاق، احکام)، مرحله شروع شدن
۶	تعهد	تعهد نسبت به دین جدید؛ در مسیر شدن، پس از تعامل، دین جدید نسبتاً تثبیت می‌شود.
۷	نتیجه (دستاورد، پیامد)	تثبیت نهایی دین جدید

با وجود اینکه ادعا شده رمبو رویکردی بین‌رشته‌ای اتخاذ کرده است، اما این جامعه‌شناسان عرصه نوگروری بودند که الگوی وی را مبنای نظری کار خود قرار دادند.

۳. روش تحقیق

مسئله اصلی این پژوهش تبدیل دانش ضمنی و ناظر به چگونگی، به دانش آشکار و ناظر به چیستی است. بر این اساس با اتخاذ رویکرد کیفی، اطلاعات لازم با بهره‌گیری همزمان از روش «اسنادی» و «میدانی» گردآوری شده

است. در مرحله گردآوری داده‌ها، ضمن بهره‌گیری از منابع علمی، پژوهش‌های پیشین، بررسی اسناد و گزارش‌های مکتوب، استفاده از فایل‌های صوتی ضبط‌شده جلسات موفق و ناموفق و نیز حضور در فرایند مشاوره هشت نوکیش با هشت تن از کارشناسان فن، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت.

داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از روش «کیفی تحلیل مضمون»، رمزگذاری و تحلیل شدند. «تحلیل مضمون» یکی از روش‌های ساده و کارآمد تحلیل کیفی است. از «تحلیل مضمون» می‌توان به خوبی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده کرد (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰). در «تحلیل مضمون»، مضامین براساس معیارهایی همچون جایگاه، زمان، ماهیت و یا حتی سلسله‌مراتب دسته‌بندی می‌شوند. در این پژوهش ابتدا در فرایند تحلیل مضمون، مضامین اولیه شناسایی و سپس ضمن پالایش و تجمیع مضامین اولیه، مضامین نهایی به منظور تدوین گزارش پژوهش انتخاب شدند. در کاربست روش «تحلیل مضمون» از نرم‌افزارهای تحلیل کیفی متن، مانند مکس کیودا، ان وی وو، اطلس تی. آی استفاده شده است. در تحقیق حاضر برای پردازش و تحلیل کیفی داده‌ها از نرم‌افزار مکس کیودا استفاده شده است.

۴. یافته‌های تحقیق

داده‌های گردآوری‌شده از منابع گوناگون (از جمله پژوهش‌های پیشین، اسناد و گزارش‌های مکتوب، فایل‌های صوتی ضبط‌شده جلسات موفق و ناموفق مشاوره به نوکیشان، حضور در فرایند مشاوره هشت نوکیش و نیز مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با هشت تن از کارشناسان مرتبط با نوکیشان)، با بهره‌گیری از روش «تحلیل مضمون»، تحلیل متنی شد و مهم‌ترین مضامین ناظر به مسئله این مقاله (صورت‌بندی الگوی مفهومی دعوت به دین)، استخراج و در قالب جدول (۳) تنظیم گردید:

جدول ۳: مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
جداسازی	الهیاتی
رفع موانع بازگشت	
محیط	روان‌شناختی
رفتار	
گفتار	
خدمات مشاوره‌ای	جامعه‌شناختی
خدمات مداخله‌ای	

پیش از ورود به تفسیر مضامین استخراج‌شده، باید این نکته را یادآور شد که تجربه حضور در جلسات متعدد مشاوره به افراد نوکیش، نشان می‌دهد که افراد مسلمان تغییر کیش داده، واجد سه ویژگی مشترک روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و اعتقادی به شرح ذیل هستند:

الف. از حیث روان‌شناختی دچار اختلالات روانی، سرخوردگی، و کمبود توجه و محبت هستند.

ب. از حیث جامعه‌شناختی، محیط و عوامل اجتماعی مانند خانواده، نزدیکان، گروه دوستان، حاکمیت، عملکرد و سبک زندگی برخی از افراد منتسب به دین بستر دلزدگی این افراد از اسلام را فراهم کرده است.

ج. از حیث اعتقادی، اعتقادات ضعیف، آنها را در اتخاذ معیارهای صحیح شناخت به‌اشتباه انداخته و آنان را آماده پذیرش دین جدید کرده است.

بنابراین، برای بازگرداندن افراد اسلام‌گریز به دین اسلام، باید با اتخاذ رویکردی جامع و پرهیز از اتکای صرف به رویکرد کلامی و الهیاتی، همزمان از ظرفیت رویکردهای الهیاتی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی استفاده شود. در ادامه، توصیفی از هریک از رویکردهای سه‌گانه ارائه می‌گردد:

۴-۱. رویکرد الهیاتی

کمتر اتفاق می‌افتد که تغییر دین متأثر از مسائل کلامی و شبهات اعتقادی و در مجموع، مباحث الهیاتی رخ دهد. درواقع، پیش از آنکه فرد دچار شبهات اعتقادی شود، ابتدا دستخوش مشکلات روانی و اجتماعی می‌شود و این قبیل مشکلات بسترساز بروز شبهاتی برای فرد می‌گردد و در صورت ضعف زیربنای اعتقادی و ناتوانی از ارائه پاسخ مناسب به این مشکلات، از یک سو چارچوب تعهد او به دین قبلی از هم گسسته می‌شود و در فرایند خروج از دین قرار می‌گیرد، و از دیگر سو با دریافت پاسخ‌های مناسب از دین جدید و با شکل‌گیری چارچوب الهیاتی جدید، تعهد او به دین جدید آغاز می‌گردد. بنابراین، الهیات باید برای دین جدید طرح پرسش کند و در قبال سؤالات بدون پاسخ دین قدیم، پاسخگو باشد. رویکرد الهیاتی دارای دو مرحله «جداسازی» و «رفع موانع بازگشت» است:

۴-۱-۱. جداسازی

نقش الهیات در این مرحله، ناظر به پرده برگرفتن از چهره حق‌نمای کیش جدید است؛ حقانیت کاذبی که با توجه به شرایط خاص رخ داده و خود را بر آسیب‌دیده تحمیل کرده است. اولین هدف از طرح مسائل الهیاتی و اعتقادی، جداسازی این حقانیت از دین جدید است. این عمل از طریق گفت‌وگو با شرایط خاص - در رویکرد روان‌شناسی به آن پرداخته می‌شود - صورت می‌گیرد و شامل سه مرحله به شرح ذیل است:

۴-۱-۱-۱. مقدمه

در جداسازی باید مقدمه‌ای مطرح شود و آن مردود دانستن تفکر کثرت‌گرایی است؛ زیرا این موضوع می‌تواند راه فراری در تنگناهای پیش‌روی نوکیش باز نماید. معمولاً در متون ادیان، نوعی اظهار حقانیت خود و بطلان دیگری وجود دارد که می‌توان از آن برای چنین مقصودی بهره جست.

مبلغان فرقه‌های انحرافی با استفاده از معیارهای غیرحقیقی، آسیب‌دیده‌های روانی و اجتماعی و احیاناً عقیدتی را جذب کرده، آنها را به سمت انتخاب دین جدید سوق می‌دهند. به عبارت دیگر اعتقادات ضعیف، افراد آسیب‌دیده را در اتخاذ معیار صحیح شناخت به اشتباه انداخته، آنها را مستعد پذیرش دین جدید می‌کند.

در این قسمت باید ۱۴ نوع معیار غیرحقیقی که از مصاحبه و گفت‌وگو با نوکیشان کشف شده، باطل و شخص به عقل و معجزه ارجاع داده شود تا فرد به معیار صحیح شناخت دست یابد:

۱. در کیش جدید آرامش دارم.
۲. کیش جدید خوب است؛ چون پیروانش خوب هستند.
۳. اسلام دین جنگ و خشونت است.
۴. خدای کیش جدید برخلاف الله خیلی مهربان است.
۵. کیش جدید سرشار از محبت است.
۶. همکیشان جدید شاد هستند.
۷. خواب و رؤیا دیدم.
۸. در کیش جدید شفا گرفتم و یا معجزه دیدم.
۹. کیش جدید از غیب خبر می‌دهد.
۱۰. این همه پیرو، نشانه حقانیت است.
۱۱. اسلام عامل عقب‌ماندگی است، به خلاف پیروان کیش جدید که پیشرفته‌اند.
۱۲. کیش جدید من دین نیست، بلکه یک نوع زندگی است.
۱۳. قلبم به من دروغ نمی‌گوید.
۱۴. خودم را به خدا سپردم.

در بحث معیار شناخت، همه خطابات باید به صورت سوم شخص باشد تا کلیه شاهد مثال‌ها بر او بار شود. این کار علاوه بر ایجاد تنبه در مخاطب، از موضع‌گیری‌های احتمالی او جلوگیری می‌کند. برای نمونه می‌توان بحث را این‌گونه آغاز کرد:

«یک انسان را در نظر بگیریم که از قبیله‌های بدوی آفریقا آمده است. به هیچ دینی اعتقاد ندارد و در پی یک راه برای رسیدن به خداست. راه‌های متعددی پیش‌روی او وجود دارد: قرآن، کتاب مقدس، اوستا، اوپانیشاد و مانند آن. او در میان هیاهوی ادیان، سردرگم مانده است. یکی به او قرآن را پیشنهاد می‌دهد و دیگری کتاب مقدس را، سومی اوستا و... اما سؤال مهم این است که با چه ملاکی می‌توان حقیقت را یافت؟»

برای این مقصود، کارشناس با همکاری مخاطب، معیارهای مناسب و صحیح این انتخاب را مرور می‌کند و به انسان بدوی پیشنهاد می‌دهند.

۳-۱-۴. حجیت‌زدایی

وضعیت شخص نسبت به موضوع از چند حال خارج نیست که از سافل به عالی عبارتند از: وهم، شک، ظن و قطع. «قطع» همان کاشفیتی است که برای قاطع روی می‌دهد، خواه مطابق با واقع باشد یا خیر. قطع در نزد شیخ انصاری چنین است: اعتقاد جازمی که در نظر قاطع، با واقع مطابق است (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۳۰). از نظر ایشان به همین سبب، عمل به قطع ضروری است. به عبارت دیگر، برای قاطع حجیت می‌آورد. برای اصطلاح «حجیت»، هشت معنی ذکر شده که پنج نوع آن عرفی است: ۱. واقع‌نما؛ ۲. وجوب متابعت؛ ۳. معذّر؛ ۴. منجز؛ ۵. وسیله احتجاج به غیر (محمدی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۳).

دین با حجیت رابطه‌ای مستقیم دارد؛ یعنی اگر دینی برای شخصی حجیت داشته باشد، نزد او واقع‌نمایی می‌کند. پس متابعت از قوانین را به دنبال دارد که در صورت اجرا، مزد و در صورت خطا، عذر می‌سازد و در نهایت، برای قانع کردن دیگران از آن بهره می‌برد. غالباً خروج از دین وقتی رخ می‌دهد که آن کیش از حجیت بیفتد یا به عبارت دیگر نزد شخص، دیگر واقعی و حقیقی نباشد. بنابراین، لزومی برای تبعیت و حتی احتجاج وجود ندارد؛ زیرا اعتقاد به جزا از بین رفته است. ورود به دین جدید نیز زمانی روی می‌دهد که شخص به حجیت برسد؛ یعنی آن را واقعیت بیندارد. پس باید از آن تبعیت کند؛ زیرا برای او تنجز و تعدّر می‌آورد. بنابراین برای بازگشت یک نوکیش، ابتدا باید حجیت از دین جدید اخذ و به دین قدیم پس داده شود. این اقدام با استفاده از بیان تاریخ آن دین، تناقضات موجود و قوانین و رفتارهای غیرعقلایی موجود در کیش جدید رخ می‌دهد.

۲-۱-۴. رفع موانع بازگشت

برای برگرداندن حجیت به کیش قدیم، لازم است تا سؤالات شخص نوکیش که در فرایند تغییر دین بدون جواب مانده و همچنین شبهاتی که بعدها از زبان مبلغان ادیان و فرق انحرافی شنیده است، پاسخ داده شود. براساس یافته‌های این تحقیق، شبهاتی که بیشترین فراوانی را در میان مسلمانان ایرانی متأثر از فرقه‌ها دارند عبارتند از: زن، خشونت و شبهات احکام. بهتر است تلاش شود پاسخ‌ها با رویکردی نقضی، مبانی کیش جدید را نیز بررسی کنند. در شیوه پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات باید از چند روش همزمان بهره گرفته شود؛ از جمله: بررسی‌های متنی و سندی، مطالعات فقهی و حقوقی، پژوهش‌های مفهوم‌شناسی، بررسی‌های تاریخی، پاسخ‌های نقضی و مطالعات آماری. تمام ادعاها، نقل‌قول‌ها و پاسخ‌ها باید مستند و مبتنی بر دستور قرآن باشد؛ جانب عدالت و انصاف رعایت شود و تا حد ممکن از طرح مباحث پیچیده علمی که تنها در مراکز تخصصی می‌توان به آن پرداخت، پرهیز و بیشتر بر پاسخ‌های کاربردی تمرکز شود.

۴-۳. رویکرد روان‌شناختی

در این بخش، هدف کاهش اضطراب و ارتقای اثرگذاری سخن برای پذیرش حق است که این مقصود از طریق ظرفیت‌ها و روش‌های روان‌شناختی در سه بخش «محیط»، «رفتار» و «گفتار» دنبال می‌شود.

۴-۳-۱. محیط

مکان گفت‌وگو باید دارای چند ویژگی باشد تا اثرات مثبتی بر روان نوکیش بگذارد:

نخست. موقعیت مکانی: یعنی محل گفت‌وگو کجا باشد: عمومی یا خصوصی؟ فضای باز یا بسته؟ کوچک یا بزرگ؟ چون اماکن خصوصی ممکن است حس جلسه بازجویی و فضای امنیتی را القا کند فضای عمومی بهتر است. از سوی دیگر شلوغی و رفت و آمدهای مکرر این اماکن، معضلی است که تمرکز جلسه را برهم می‌زند. شاید وجه جمع این دو، دانشگاه باشد؛ یعنی مکانی که عمومی است، اما اتاق‌های آن مشکلات ذکرشده را ندارد. گذشته از آن، سرمایش و گرمایش و امور خدماتی و انضباطی آن نیز تأمین شده است.

دوم. امکانات محل گفت‌وگو: در مکان جلسه بهتر است از مبلمان استفاده شود تا راحتی بیشتری ایجاد شود. در بین میز یا میز و صندلی، دومی مناسب‌تر است؛ زیرا علاوه بر نزدیک کردن افراد به یکدیگر و همچنین ایجاد شرایط یادداشت‌برداری و قرار دادن کتاب در کنار دست اشخاص، برای پذیرایی نیز می‌توان از آن استفاده کرد.

سوم. نوع نشستن: نشستن رودررو تقابل را القا می‌کند و شکل بازجویی به خود می‌گیرد. کنار هم نشستن نیز حریم شخصی را از بین می‌برد که شاید برای طرفین خوشایند نباشد؛ زیرا ممکن است حضار بخواهند چیزی را از چشم دیگری دور نگاه دارند. بهترین نوع نشستن، L مانند است که تقریباً نوعی وجه جمع به حساب می‌آید.

چهارم. پذیرایی: مهیا بودن اسباب پذیرایی افزون بر ایجاد صمیمیت، فرصت استراحت و تریخص مقطعی را ایجاد می‌کند تا ذهن نوکیش دچار خستگی حاصل از تداوم مطالب نشود. از سوی دیگر خوراکی‌های تسکین‌دهنده، مثل قهوه و همچنین مواد قندی علاوه بر کاهش اضطراب، به تأمین انرژی طرفین کمک می‌کند.

پنجم. عطراگین کردن فضا: عطرها و رایحه‌ها اهمیت بسزایی در سلامت جسم و روح و روان افراد دارند، از ترمیم زخم‌ها گرفته تا کاهش روان‌پریشی‌ها. حتی پژوهشگران ارتباط بالقوه بین بعضی رایحه‌ها و تغییرات سلول‌های عصبی برای کاهش سوگیری مردان در بیماری‌هایی همچون اوتیسم را نشان می‌دهند (لینا و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۷۳۱-۷۳۸).

برای ایجاد تعادل بین حالت‌های روانی و احساسی، همچنین بهبود آشفستگی‌های روانی می‌توان از ترنج، یاسمن، نارنج، نعنای هندی، بابونه رومی و رز بهره گرفت و یا برای رفع افسردگی از عصاره شمعدانی عطری، گریپ‌فروت، یاسمن، لیموترش، نارنج، بابونه رومی، رز و چوب صندل استفاده کرد (امیردیوانی، ۱۳۸۳).

شیوه مواجهه با شخص نوکیش اهمیت بسزایی دارد. اگر اکراهی در کار باشد، نه‌تنها اثرگذاری ندارد، بلکه چه‌بسا کار به لجاجت نیز کشیده شود. مشاوره برای چنین افرادی که خود را محق می‌دانند حکم عقب‌نشینی دارد. پس متقاعد کردن آنان به این کار بسیار سخت است. اگر درگیری عمق کمتری داشته باشد و پیوندهای خویشی و دوستی پایدار باشد، مواجهه با مشاور می‌تواند در قالب یک اتفاق و حادثه روزمره، مثل یک مهمانی رخ دهد؛ اما اگر درگیری فرقه‌ای عمق داشته باشد، به‌گونه‌ای که با همه اطراف خود دچار تنش باشد، بهتر است از سخنان خود شخص استفاده شود؛ زیرا خواه‌ناخواه طمع تبلیغ آنها همه اطرافیان را درگیر می‌کند. تن دادن به این تبلیغ می‌تواند به‌منزله یک راهبرد، راهگشا باشد؛ مثلاً شخص تبشیر شده بگوید: «من سخنان تو را قبول می‌کنم، به شرط آنکه به سؤالات این شخص (مشاور) پاسخ داده شود».

شخصی که به‌عنوان مشاور با نوکیش گفت‌وگو می‌کند باید بداند که بعد از خروج از دین، دیگر تعلقی به آن باقی نمی‌ماند و حتی ممکن است نوعی تفرق نیز شکل گیرد. بنابراین بهتر است از هر نوع نمادی که اسلامیت را پررنگ و یا یادآوری می‌کند استفاده نشود. آراستگی در ظاهر و رفتار نیز مهم است. استفاده از عطر، چهره خندان، و آرامش در رفتار نیز به همین صورت است. هدیه دادن، به‌ویژه اگر کتاب باشد ابزاری برای تألیف قلوب به شمار می‌آید. البته بهتر است کتاب از موضوعات مطرح‌شده در جلسات انتخاب شود. به عبارت دیگر، آنچه گفته شد، اعم از گشاده‌رویی، خلق نیکو، تواضع و احترام، آراستگی و زیبایی ظاهری همه عوامل محبوبیت‌زا هستند (اسدی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱) که برای اثرگذاری کلام بسیار مفید و حتی لازم‌اند.

نکات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که عبارتند از:

- نوکیش اگر تعلقی به شیء و لوازم خاص دارد به همراه داشته باشد.
- نوکیش اگر احتیاج به سیگار دارد، قبل از جلسه مصرف کند.
- نوکیش اگر فرزندی دارد که نبودش مشغله‌ساز است، همراه خود بیاورد.
- نوکیش قبل از شروع جلسه و ورود مشاور، در مکان حضور داشته باشد.
- نوکیش بداند که هر زمان خواست می‌تواند جلسه را پایان دهد.
- مشاور به اختلاف اقوام و فرهنگ‌ها توجه کند.
- مشاور تماس چشمی خود را معطوف به نوکیش کند.
- مشاور از زبان بدن به‌درستی استفاده کند.
- مشاور هرآزگاهی با تأیید گفتار نوکیش، توجه خود به بحث را نشان دهد.
- مشاور با تن صدای پایین به همراه حرکات آرام بدن با مخاطب ارتباط بگیرد.

ارتباطات کلامی جایگاه خاصی در ارتباطات انسانی دارند. بنابراین در فرایند دعوت، باید اهمیت ویژه‌ای برای آن قائل شد. هرچند در جلسات آسیب‌دیده‌های فرقه‌ای، تلاش باید برای حاکم کردن عقل بر جلسه و کاهش اضطراب مخاطب صورت گیرد، اما یک دعوت خوب از محبوبیت و مقبولیت مبلّغ و مشاور شروع می‌شود. برای این منظور به نکاتی که در ایجاد محبوبیت و مقبولیت مؤثرند اشاره می‌کنیم:

۳-۳-۱. ایجاد محبوبیت و مقبولیت

- مشاور، خود را به طور کامل معرفی کند، چه با اسم مستعار و چه حقیقی؛ زیرا نباید امر مبهمی باقی بماند.
- در همان ابتدای سخن، به این نکته اشاره کند که هیچ ارتباطی با نهادهای امنیتی و قضایی ندارد و صرفاً برای یک کار علمی حاضر شده است.
- مزاح و شوخی از کارهای مهمی است که نباید فراموش شود، البته با توجه به فرهنگ و خط قرمزهای نوکیش و جلسه.
- مشاور از سفرها و تجربه‌های خارج کشور، خاطره‌ای متناسب با موضوع ذکر کند. مطلوب آن است که مشاور صاحب تجربه باشد. در غیر این صورت می‌تواند آن تجربه را از زبان دیگری نقل کند.
- نوکیش با اسم کوچک خطاب شود.
- از محاورات طلبگی پرهیز شود؛ زیرا افزون بر غیرقابل فهم بودن برای عموم، رنگ و بوی عربی و اسلامی دارد؛ همان چیزی که غالب نوکیشان نسبت به آن حس تنفر دارند.
- از واژه‌های لاتین بهره گرفته شود.
- از ناقدان و مخالفان غربی مسیحیت، شاهد مثال آورده شود.
- تعریف کردن از شخصیت نوکیش در ایجاد محبوبیت مشاور تأثیرگذار است؛ زیرا نوکیشان معمولاً طردشدگی از جامعه و خانواده را تجربه کرده‌اند. بنابراین، قرار گرفتن در کانون توجهات، موجب شکل‌گیری احساس خوشایند در نوکیش می‌شود. این روشی است که مبلغان فرقه‌ها از آن بهره می‌برند.
- با احترام و ادب با نوکیش رفتار شود، تا جایی که رفتار متقابل در او نیز صورت گیرد.
- تأیید بعضی از حرف‌های او به ایجاد محبوبیت و پذیرش سخنان مشاور کمک می‌کند. درواقع شخص نوکیش نیز رگه‌هایی از حقیقت در گفتار و رفتار خود دارد و انصاف حکم می‌کند که آنها دیده و منعکس شود.
- این جلسات برای بازجویی تشکیل نمی‌شود. پس مشاور نباید دنبال مقصر باشد.
- پایان جلسه اندکی با شوخی و مزاح همراه باشد تا از سنگینی بحث کاسته شود.
- مشاور الطاف اهل بیت علیهم‌السلام در طول زندگی‌اش را بازگو و خاطرات حضورش در مراسم و مناسک را یادآوری کند.

مباحث الهیاتی که قرار است به نوکیش ابلاغ شود باید اقناع‌کننده باشد. این هدف احتیاج به گفت‌وگویی دارد که در صناعات خمس به نام «مجادله» شناخته می‌شود. «قیاس جدلی» برای غلبه بر خصم و یا اقناع اوست. در این قیاس نیازی به استفاده از مقدمات یقینی نیست، بلکه باید از مقدماتی استفاده شود که مقبول خصم است (پارسانیا، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵). معمولاً این منظور در متون مقدس و سنت دین جدید قابل دستیابی است. با توجه به اینکه ادیان گذشته گرفتار اختلاط حق و باطل شده‌اند، اختلافات روایی و عقلی قابل توجهی در منابع آنها قابل مشاهده است. بنابراین نقدهای الهیاتی به متون مقدس و سنت‌های دین جدید، روشی مناسب برای حجیت‌زدایی از آن دین است.

البته باید از کشمکش و برتری‌جویی پرهیز شود؛ زیرا هدف دعوت، نه اسکات و الزام خصم، بلکه اقناع اوست. بنابراین از نوع بدون الزام آن، یعنی مناظره استفاده می‌شود. غرض در مناظره میان دو تن، الزام یا غلبه بر یکدیگر نیست، بلکه حصول علم و کشف حقیقت است. به همین سبب، وقتی یکی از طرفین مناظره، رأی دیگری را حق دانست، به آن اعتراف می‌کند و دست از بحث برمی‌دارد (طوسی، ۱۳۶۷، ص ۴۴۸).

در جدل مبتنی بر حقیقت‌کاوی و حق‌طلبی، هر دو طرف مناظره علاوه بر استفاده از حجت معتبر، باید آداب مناظره و جدل را مراعات نمایند.

حسینی میلانی مهم‌ترین آداب مناظره را که در قرآن کریم با عبارت «بِأَلْسِنَةٍ أَدْنَىٰ أَمْ أَنفُسِنَا» آمده، به شرح ذیل

بیان می‌کند:

هر دو طرف باید با رعایت کامل مدارا، آرامش و وقار، دیدگاه و حجت معتبر خود را ارائه نمایند.

هر دو طرف بایستی از الفاظ روشن و عبارات زیبا برای بیان مقصود خود استفاده نمایند.

هر دو طرف بایستی از بدگویی و دشنام پرهیزند.

هر دو طرف باید از روش‌های پیچیده و خروج از موضوع بحث - که سازمان فکری طرف مقابل را به هم می‌ریزد - خودداری کنند.

هر دو طرف باید از افزودن یا کاستن از سخنان طرف مقابل پرهیزند و از انتساب باورها یا حجت‌های موهوم به وی خودداری کنند.

در صورت گفتاری بودن بحث و جدل، آداب دیگری نیز بدان افزوده می‌گردد؛ از جمله اینکه:

طرفین مناظره نباید سخن یکدیگر را قطع نمایند.

طرفین نباید صدای خود را بیش از حد معمول بالا ببرند.

... جدل به دو نوع «حق» و «باطل»، تقسیم می‌شود و «جدل حق» بدین معناست که ضمن رعایت آداب و اخلاق والای نیکو، از حجت معتبر و مورد قبول دو طرف یا طرف مقابل نیز استفاده گردد (حسینی میلانی، ۱۳۸۹، ص ۱۲).

اهل فن با مطالعه روش‌های گوناگون مناظره و تجربه آنها در عمل، روشی به نام «درهای بسته» ابداع کرده‌اند که با اجرای آن توانسته به بازگرداندن یک خارج‌شده از اسلام کمک شایانی کنند.

خصمی را در نظر بگیرید که برای نپذیرفتن موضوع بحث، می‌تواند توجیهاتی بیاورد. کارشناس مشاور ابتدا باید آن توجیهات را بشناسد، سپس با اقراری که از او می‌گیرد تمام آن توجیهات را قبل از شروع بحث نامعتبر کند. به عبارت دیگر تمام درهای فرار را به روی او ببندد، مگر دری را که مطلوب وی است. هر قدر کارشناس مهارت بیشتری در این کار داشته باشد، مناظره موفق‌تری خلق خواهد کرد.

علاوه بر آداب مناظره، سبک «درهای بسته» قواعدی خاص دارد که مشاور را ملزم به رعایت آنها می‌کند؛ قواعدی از این قبیل:

- روی منافع مُصر باشد، نه مواضع. بنابراین اگر در مناظره توهینی شنید به فکر تلافی نباشد.
- از منافع به حاشیه نرود؛ زیرا اصل هدف گم می‌شود.
- برای اثبات حرف خود - ولو باطل - حتماً یک‌راه وجود دارد.
- طرف مقابل را سرزنش نکند؛ زیرا بحث شخصی می‌شود.
- اگر نوکیش از موضعی متشنج شد، اجازه دهد تا تشنج وی خالی شود.
- با مسئله روبه‌رو شود، نه با افراد.
- در مناظره برای شنیدن پاسخ خصم، کاملاً مکث کند، حتی در انتهای صحبت نوکیش گفته شود: «مسئله دیگری نداری؟»
- حق‌جویی خود را نشان دهد؛ مثلاً بگوید: «اگر اشتباه می‌کنم مرا از اشتباه در بیاورید».
- اصلاً نتیجه‌گیری نکند؛ مثلاً به جای آنکه به مدعی دیدن معجزه/حملاً/حسن بگوید: «تو دروغ می‌گویی»، از او بپرسد: «آیا هر کس معجزه کند دلیل بر حقانیت است؟» سپس نمونه‌های کذب را مثال بزند؛ مثل هندوها.
- افراد ساکت را به یاری خود بخواند؛ مثلاً از یک شخص دیگر تأیید یک مطلب بدیهی را بگیرید.
- کمی از دید طرف مقابل به مشکل نگاه کند.
- اولین کسی که عصبانی شود بازنده بحث است.
- در شخصیت (نه سخن) نوکیش نقطه قوتی پیدا کند و به او بگوید.
- در مناظره، رفاقت ایجاد کند، نه رقابت.
- حرف‌های طرف مقابل را یادداشت کند. با این کار نشان می‌دهد به نوکیش اهمیت داده است و از سوی دیگر منظومه سخن طرف مقابل را از دست نمی‌دهد.
- گاهی بگوید: «اجازه دهید کمی فکر کنم!» (با این کار به طرف می‌فهماند که حرف‌هایش قابل تأمل است).

- بعد از صحبت خصم، حرف‌های او را دوباره بازگو کند؛ مثلاً «اجازه دهید من استنباط خودم را از حرف‌های شما بگویم...».

- از تحکم پرهیز شود.

- وقتی می‌خواهد سخن نوکیش را بازگو کند حرف‌ها را شاخه‌شاخه کند؛ مثلاً، بگوید: اگر منظورتان این است که این... و اگر منظورتان آن است که آن... .

- به نوکیش اجازه تغییر موضوع مذاکره را ندهد و دایم موضوع را یادآوری کند.

- جمع‌بندی جامعی را رقم بزند که حرف او نیز در انتها باشد (مصاحبه با مشاوران، ۱۴۰۰).

۴-۴. رویکرد جامعه‌شناختی

آخرین قسمت، شتاب‌دادن بازگشت نوکیش با استفاده از خدمات اجتماعی است. برخی همچون بولت معتقدند: نوگروی قبل از آنکه براساس آگاهی و اختیار باشد، از نوعی اجبار اجتماعی تبعیت می‌کند (کوهستانی نجفی، ۱۳۹۴، ص ۲۳). بر این اساس تغییر دین واجد یک لایه سطحی (الهیاتی - اعتقادی) و یک لایه عمیق‌تر (مشکلات روان‌شناختی - جامعه‌شناختی) دارد. یکی از اقدامات اولیه، کشف لایه زیرین است که احتمالاً خود شخص نیز چندان از آن آگاه نیست. بعد از مشخص شدن نوع مشکل، باید رایزنی‌ها و پیگیری‌ها برای رفع آن انجام شود تا بعد از جدایی از مسلک جدید و رفع موانع بازگشت به اسلام، با برطرف شدن مشکلات زمینه‌ای، برگشت او به اسلام سرعت بیشتری بگیرد.

برخی از مشکلاتی که معمولاً افراد نوکیش با آنها دست به گریبان هستند، عبارتند از:

اعتیاد: از مشکلاتی است که برخی از نوکیشان با آن درگیرند. البته منظور پاک شدن از اعتیاد نیست؛ زیرا این کار را فرقه‌ها انجام می‌دهند، بلکه منظور پاک ماندن از اعتیاد است.

فقر و بیکاری: در همه آسیب‌های فردی و اجتماعی دخیل‌اند. پژوهشگر شاهد آسیب‌دهی بود که بعد از ۱۰ سال همچنان بر انتخاب خود اصرار می‌کرد. از دید کارشناس مشاور او، اگر از همان ابتدا یک مقرری ماهیانه به این فرد اختصاص می‌یافت در این چاه نمی‌افتاد؛ زیرا مبلغان فرقه‌ها به‌درستی او را کشف کرده و با کمک‌های مالی ذهن او را تسخیر کرده بودند.

معضلات خانوادگی: طلاق و یا درگیری‌های اعضای خانواده از دیگر مشکلاتی است که حضور پررنگی در زمینه‌های تغییر دین دارد.

ازدواج و مباحث عاطفی: از موارد دیگری است که افراد به طمع آن، می‌لغزند و با تلاش فرقه‌ها، حاضر می‌شوند تغییر دین بدهند.

اختلالات جنسی و حتی آشنا نبودن با قوانین: این موضوع که موجب ضرر کیفی و حقوقی می‌شود نیز از دیگر نمونه‌هاست.

فهرست آسیب‌ها و مسائل افراد نوکیش در جدول (۴) آمده است:

جدول ۴: گونه‌شناسی آسیب‌ها و مسائل روانی و اجتماعی نوکیشان

مسائل	آسیب‌ها
خانوادگی	طلاق
	دعوی خانوادگی
	کم‌توجهی اعضای خانواده
	ازدواج
حقوقی	آشنا نبودن با قوانین
	درگیری‌های اداری
مالی	فقر
	بیکاری
روانی	اختلالات جنسی
	افسردگی
	وسوسه‌های اعتیاد
دینی	سؤالات اعتقادی
	سؤالات احکام

برای رفع این مشکلات به افراد و مجموعه‌های ذیل نیاز است:

- مشاور خانواده؛

- مشاور حقوقی؛

- مشاور اعتقادی؛

- مؤسسات و افراد خیر؛

- روان‌شناس.

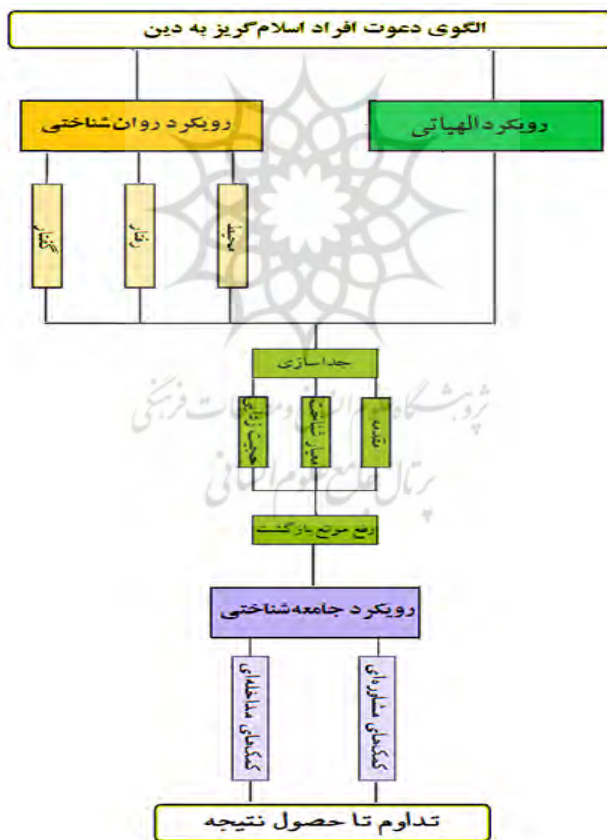
از آنجاکه با افراد به‌صورت مصداقی رفتار می‌شود، پس چارچوبی قطعی وجود ندارد. به بیان دیگر، نیاز زمینه‌ای مخاطب است که تعیین‌کننده نوع آسیب و نیز نوع خدمات موردنیاز است. این روش در سنت و احتجاجات امامان معصوم علیهم‌السلام نیز موجود است؛ مثلاً امام حسن مجتبی علیه‌السلام با شناخت نیازهای هتاک شامی و اعلام آمادگی برای تأمین آنها، موجبات جذب او را فراهم کردند (قمی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۵۲۲).

تجربه نشان می‌دهد خدماتی که باید به آنها داده شود تا برگشت به دین قبلی سرعت گیرد دو نوع است: خدمات مشاوره‌ای و خدمات مداخله‌ای.

جدول ۵: انواع خدمات به‌منظور بازگشت افراد نوکیش

خانوادگی	مشاوره‌های	انواع خدمات
حقوقی		
اعتقادی		
مادی	مداخله‌ای	
روان‌پزشکی		
عاطفی و...		

این خدمات باید تا زمان توبه فرد و بازگشت وی به اسلام ادامه پیدا کند. در فرایند پیگیری این امور، احوال‌جویی، تماس‌های تلفنی و یا اینترنتی علاوه بر روحیه‌بخشی به تواب، فرصت شکار دوباره او توسط فرقه‌ها را از بین می‌برد. براساس آنچه در مبحث یافته‌های تحقیق آمد، می‌توان الگوی مفهومی دعوت افراد اسلام‌گریز به دین اسلام را به شکل (۲) ترسیم کرد:



شکل ۲: الگوی مفهومی دعوت اسلام‌گریزان

نتیجه‌گیری

شاید تغییر کیش با نگاه غیردینی یک پدیده طبیعی باشد، اما هنگامی که هدف^{۱۰} از مسائل الهیاتی و معرفتی به مسائل سیاسی و مقابله با حکومت‌ها تبدیل می‌شود، باید در مقابل آن حساس بود. اگرچه وجود نهادهای دینی و فرهنگی و افزایش کمی و کیفی فعالیت آنها ضروری است، اما حکم پیشگیری را دارد. عموم نوکیشانی که از اسلام خارج می‌شوند به علت ملاحظات امنیتی، مشمول اقدامات قضایی می‌شوند که این امر افزون بر ایجاد آسیب‌های اجتماعی، خوراک تبلیغاتی و مظلوم‌نمایی را برای مبلغان غیراسلامی فراهم می‌کند.

بنابراین کاربست راهکارهای غیرقهری، همچون الگوهای تبلیغی برای مقابله با این جریان، ضروری است. از این رو پژوهش حاضر کوشید برای پاسخ به چگونگی دعوت اسلام‌گریزان به دین، با بهره‌گیری از روش‌های علمی و تجربی برخی از مبلغان اسلامی که در مقابله با ادیان و فرق، توانسته‌اند بعضی از افراد اغوا شده را به دین اسلام برگردانند، روش آنها را استخراج، تکمیل و به شکل مفهومی صورت‌بندی کند.

پژوهشگران با رویکردهای گوناگون به بررسی این پدیده پرداخته‌اند. وجود مشوق تبلیغی و یا عدم آن در متون مقدس و سهل‌گیری در آیین‌ها و مناسک برای نوکیشان از نتایجی است که در رویکرد الهیات به دست می‌آید. عقلایی یا عاطفی بودن این پدیده، محرک و متحرک بودن رفتار و عقیده، سن غالب در نوگروری، بحران درونی و میانی و مسائلی از این دست در رویکرد روان‌شناسی پیگیری می‌شود. همچنین تجمع و تکمیل نظریات موجود با رویکرد جامعه‌شناسی حاصل می‌شود که از شاخص‌ترین آنها می‌توان به نظریه لوئیس رمبو اشاره کرد. البته بررسی برگشت آنها و ایجاد دانش کاربردی برای این مهم مغفول واقع شده که این تحقیق در پی پر کردن خلأ موجود است.

فارغ از اینکه چه عاملی مقدم دانسته شود و چه رویکردی حقیقت را بیشتر آشکار سازد، باید گفت: براساس تجربه فعالان این عرصه، به علت تأثیر همزمان عوامل اعتقادی، روانی و اجتماعی در ادبار نوکیشان از دین قبلی و اقبال به دین جدید، استفاده از هر سه رویکرد «الهیاتی»، «روان‌شناختی» و «جامعه‌شناختی» برای بازگرداندن یک نوکیش به دین قبلی خود، کاری ضروری است.

با استفاده از رویکرد الهیاتی، باید جداسازی از دین جدید رخ دهد که این کار به کمک حجیت‌زدایی پس از تفاهم بر رد تکثرگرایی و تأیید معیار صحیح شناخت اتفاق می‌افتد. برای بازگشت به دین قبلی، لازم است سؤالات اعتقادی شخص پاسخ داده شود؛ زیرا مانعی برای برگشت او به حساب می‌آید. تمام این مراحل از طریق رویکرد روان‌شناسانه در سه سطح (محیط، رفتار، گفتار) مناسب‌سازی می‌شود تا کمیت و کیفیت تأثیرگذاری و پذیرش افزایش یابد. در انتها، رویکرد جامعه‌شناختی به مثابه یک شتاب‌دهنده، به رفع مشکلات زمینه‌ای شخص می‌پردازد و این خدمات تا زمان بازگشت وی به دین قبلی ادامه خواهد داشت.

با توجه به پیچیده بودن تعبیر کیش، نهایتاً اقدامات سلبی و قهری^۵ انهدام سرشبه‌ها و راه‌های ارتباطی آنان است که کار را به لجاجت و حتی مقابله، آن هم با روحیه‌ای مصمم‌تر می‌کشاند. نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مشابه، افزون بر اینکه چنین آثاری را از بین می‌برد، در حالت ایده‌آل می‌تواند از خود نوکیشان پشیمان، علیه جریان فرقه‌گرایی استفاده کند.

تدوین روش‌های ارتباط مؤثر با این قشر خاص (خارج‌شدگان از اسلام) توسط محققان علوم ارتباطات و روان‌شناسی می‌تواند به ارتقای دانش کاربردی فعالان این عرصه کمک شایانی نماید.



منابع

- اسپیلکا، برنارد و دیگران، ۱۳۹۰، *روانشناسی دین*، ترجمه محمد دهقان، تهران، رشد.
- اسدی سیدصالح و همکاران، ۱۳۹۴، «بررسی عوامل مقبولیت و محبوبیت معلم در متون اسلامی»، در: *دومین اجلاس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی*، تهران، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
- امیردیوانی، ابوالفضل، ۱۳۸۳، «عطر و عطر درمانی»، *پیام زن*، سال سیزدهم، ش ۸، ص ۱۰۵-۱۱۰.
- انجیل متی*، ۲۰۰۶، ترجمه سازمان ایلام، چ دوم، انگلیس، انتشارات ایلام.
- انصاری، مرتضی، ۱۴۲۸ق، *فوائد الأصول*، قم، مجمع الفکر.
- انصاری، مریم، ۱۳۸۹، *عوامل مؤثر بر تغییر دین از اسلام به مسیحیت*، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- آنوی، کارل اندرسون، ۱۳۸۸، *فرزندان راهی دیگر*، ترجمه ابراهیم نظری مونا، تهران، دف.
- پارسانیا، حمید، ۱۳۸۳، *علم و فلسفه*، چ سوم، تهران، فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- پژوهشکده باقرالعلوم، بی تا، *الگوی استبصار*، قم.
- حسینی میلانی، سیدعلی، ۱۳۸۹، *آداب مناظره و گفتگو در اصول دین*، قم، مرکز تحقیق اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۹، *لغت نامه دهخدا*، چ هفتم، تهران، دانشگاه تهران.
- راهنما، اسحاق، ۱۳۹۱، *بررسی نظریات (نودینی) با تأکید بر رویکرد لوئیس رمبو*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- شیخ زاده، محمد، ۱۳۹۰، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، سال پنجم، ش ۲، ص ۱۵۱-۱۹۸.
- طوسی، نصیرالدین، ۱۳۶۷، *اساس/الاقبتیاس*، ترجمه محمدتقی مدرس رضوی، تهران، دانشگاه تهران.
- قمی، شیخ عباس، ۱۴۲۲ق، *متهی الامال فی تواریخ النبی والاول*، قم، جامعه مدرسین.
- کوهستانی نجفی، طیبه، ۱۳۹۴، *مطالعه جامعه‌شناختی نوگروری به اسلام*، آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی.
- گندمی، رضا، ۱۳۸۳، «نودینی در یهودیت»، *هفت آسمان*، ش ۲۱، ص ۴۸-۷۲.
- محمدی، علی، ۱۳۸۶، *شرح رسالت*، چ هفتم، قم، دارالفکر.

Jones, Lindsay & Eliade, Mirceai & Adams Charles, 2005, *Encyclopedia of religion*, V. 14, Usa, Macmillan Reference.

Leanna A. Sealey & Other, 2015, "Environmental factors may contribute to autism development and male, bias Effects of fragrances on developing neurons", *Environmental Research*, V. 142, p 731-738.

Rambo, Lewis, R, 1993, *Understanding of Religious Conversion*, New York, Yale, University Press.